

بحث ویژه : تبیین مفاهیم و موانع توسعه از دیدگاه‌های مختلف با تأکید بر تأثیر منفی مواد مخدر بر توسعه

فرخ‌الله شاه‌بهرامی^۱

مقدمه

آیا می‌توانیم از کشورهای توسعه یافته باشیم؟ راه‌های رسیدن به توسعه کدام است؟ موانع توسعه نیافتگی کدامند؟ این قبیل سئوالات از مهم‌ترین پرسش‌هایی است که از زمان تقسیم جهان به دو بخش توسعه یافته و توسعه نیافته در ذهن تقریباً اکثر مردم، بویژه متفکرین، دانشمندان سیاسی و محققین امر توسعه در کشور نقش بسته و هر یک برای دستیابی به توسعه و قرار گرفتن در سطح کشورهای توسعه یافته طرح‌ها و ایده‌های مختلفی را که اغلب برگرفته از مطالعات و یافته‌های کشورهای غربی است ارائه نموده‌اند. این مسئله از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که از یکسو، متأسفانه مطالعات آکادمیک توسعه‌ای در سطح نخبگان علمی کشورهای جهان سوم، به جز چند مورد جزئی صورت نگرفته و از سوی دیگر، مطالعات غربی انجام شده را نیز نمی‌توان به کشورهای جهان سوم و کشورمان تعمیم داد. زیرا شناختی از جهان سوم و کشورمان توسط کشورهای توسعه یافته صورت نگرفته است. این مقاله در صدد پاسخگویی به سئوالات فوق نیست، اما می‌خواهد برخی از مفاهیم توسعه را به طور مختصر توضیح دهد.

مفهوم توسعه^۲:

مفهومی کلی، پیچیده و شامل ابعاد اقتصادی همراه با ابعاد اجتماعی - سیاسی و مدیریتی است. همزمان شاخص‌هایی مانند تغذیه، آموزش، بهداشت، تغییرات اجتماعی، اصلاحات ارضی، توسعه اجتماعی، کاهش نابرابری‌ها در توزیع منابع و افزایش میزان مشارکت مردمی بویژه زنان نیز به عنوان عوامل اصلی دستیابی به توسعه مطرح است. رایج‌ترین مفهوم و تعریفی که از توسعه پایدار در سال ۱۹۸۳ شده است می‌گوید:

۱- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی

توسعه پایدار، توسعه‌ای است که ضمن تأمین نیازهای نسل فعلی، امکانات نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان را تهدید نکند.

توسعه پایدار^۱:

توسعه‌ای که بدون لطمه زدن به قابلیت نسل‌های آینده (در برآورده ساختن نیازهای خود)، نیازهای امروز را برآورده سازد، توسعه پایدار گفته می‌شود (جانسون و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۵۴۳). به نظر می‌رسد مهمترین عاملی که موجب حمایت بسیاری از نهادهای بین‌المللی و ملی از ایده توسعه پایدار شده است، عدم مخالفت استراتژی پایدار یا ادامه روند رشد اقتصادی است؛ هر چند که برخی از منتقدان این رویکرد، معتقدند که تناقض شدیدی در این ایده نهفته است، چون خود منشاء بسیاری از مشکلات زیست محیطی خواهد بود.

توسعه نیافتگی^۲:

وقتی که شرایط، با استانداردهای جوامع پیشرفته سنجیده شود، حاکی از عقب ماندگی اقتصادی-اجتماعی و سیاسی است. در ادامه درصددیم مهم‌ترین مفاهیم و موانع توسعه را از میان رویکردهای زیر مورد بررسی قرار دهیم:

- توسعه به مفهوم پیشرفت تاریخی
- توسعه به مفهوم بهره‌برداری از منابع طبیعی
- توسعه به مفهوم پیشرفت برنامه‌ریزی شده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی
- توسعه به مفهوم یک وضعیت
- توسعه به مفهوم یک فرآیند
- توسعه به مفهوم رشد اقتصادی
- توسعه به مفهوم ساختاری
- توسعه به مفهوم مدرنیزاسیون
- مارکسیسم^۳ و توسعه به عنوان افزایش نیروهای تولید

1 - Sustainable Development

2 - Under Development

3 - Marxsim

توسعه به مفهوم پیشرفت تاریخی:

واژه توسعه، همواره به شکل تنگاتنگی با واژه پیشرفت پیوند داشته است. این ارتباط اساساً از یک قدمت تاریخی در جوامع مختلف برخوردار است، همانگونه که کاون و شنتون^۱ معتقد بودند، توسعه نیز همانند کاپیتالیسم از یک فرآیند تکاملی برخوردار است.

ایده توسعه، به مفهوم پیشرفت تاریخی، از قرن ۱۸ به بعد در ابعاد اجتماعی-اقتصادی و بعدها نیز سیاسی خود نمایان شد. مهمترین مثال از این تفکر را می‌توان در نوشته‌های کلاسیک آدام اسمیت، درباره اقتصاد سیاسی مشاهده کرد. این تفکر، تحولات مربوط به توسعه را اساساً فرآیندی ناشی از اقدامات بشر که شامل، وضعیت مادی، درک علمی، آزادی‌های فردی، برابری و استقلال می‌باشد، می‌داند.

توسعه به مفهوم بهره‌برداری از منابع طبیعی:

این برداشت از توسعه، بر روی استخراج و بهره‌برداری از منابع طبیعی تأکید دارد. در حقیقت، از قرن ۱۶ تا ۱۹، قدرت‌های استعماری اروپایی، به توسعه مستعمرات پرداختند و از طریق استخراج و بهره‌برداری از مواد مختلف نظیر طلا، به پیشرفت و توسعه دست یافتند و از این طریق موجب گسترش توسعه نیافتگی در مستعمرات شدند. (Frank 1971- starrianos 1981)

قابل توجه اینکه قدرت‌های استعماری مدعی بودند که در صدد رشد و ترقی مردم مناطق مستعمره هستند، در حالی که استعمار بلژیک در کنگو منابع آن کشور را به غارت برد و با مردم آن به طرز وحشتناکی رفتار شد.

توسعه به مفهوم پیشرفت برنامه‌ریزی شده اقتصاد، اجتماعی و سیاسی:

لیست^۲، در قرن نوزدهم در آلمان در نوشته‌های خود به این موضوع اشاره کرده که: جوامع عقب مانده، می‌بایست از جوامع توسعه یافته پیروی کنند تا بتوانند با آنها رقابت کنند. وی همچنین معتقد بود که صنعت پیشرفته و تجارت خارجی در حد و اندازه قابل قبول آن، تنها از طریق تقویت قدرت دولت قابل دستیابی است.

1 - Cowen and Shenton.

2 - List

توسعه به عنوان یک وضعیت:

رویکرد توسعه به مفهوم یک وضعیت، بر این عقیده استوار است که توسعه، مرحله یا سطحی از تحقق رشد اقتصادی- اجتماعی و حتی سیاسی است که برخی از جوامع آن را به دست آورده و برخی دیگر از آن بی‌نصیب مانده‌اند. این ایده، جوامع توسعه یافته را اینگونه تعریف می‌کند "در مرحله‌ی حداکثر مصرف قرار دارند و فراز و نشیب‌ها و مشکلات توسعه را پشت سر گذاشته‌اند".

توسعه به مفهوم یک فرآیند:

پنداشتن توسعه به عنوان یک فرآیند، با این مسئله که جوامع مختلف را به انواع توسعه یافته، توسعه نیافته و حالت بینابین تقسیم شود، تضادی ندارد. این رویکرد معتقد است که توسعه، یک ویژگی همیشه متغیر و رو به رشد در جامعه است و توسعه را مفهومی نسبی می‌داند.

توسعه به مفهوم رشد اقتصادی:

در این برداشت از توسعه به عنوان رشد اقتصادی، هیچ اشاره‌ای به چگونگی توزیع منافع به دست آمده از رشد در موضوعات اجتماعی سیاسی و یا هزینه‌های محیط زیست نمی‌شود، به عنوان مثال کشور برزیل، نمونه‌ی بارزی برای طرح این گفته است. در این چارچوب، بررسی‌ها نشان می‌دهد که تولید ناخالص ملی برخی از کشورها از برزیل کمتر، اما شاخص‌های اجتماعی و سیاسی آن‌ها بالاتر بوده است. (World bank 1989)

توسعه به مفهوم تغییر ساختاری:

ایده‌ی توسعه، به عنوان تغییر ساختاری، یکی از ویژگی‌های اصلی بسیاری از مفاهیم توسعه، به ویژه دو تفکر مربوط به مارکسیسم و مدرنیزاسیون^۱ است که در ارتباط تنگاتنگ با برداشت رشد اقتصادی از توسعه قرار دارد. به بیان ساده، تغییر ساختاری عبارت است از، تغییر در ساختار اقتصادی و در نتیجه تغییر در خروجی آن و به عبارتی دیگر تغییر از اقتصاد بر پایه‌ی کشاورزی، به اقتصاد صنعتی و به طور خلاصه، صنعتی

شدن است. به طور مثال: هم استالین آن را مورد تأکید قرار می‌داد، هم رئیس جمهوری کره (پارک چونگ هی) در سال ۱۹۶۱ به عنوان هدف اصلی خود می‌دانست.

توسعه به مفهوم مدرنیزاسیون:

این رویکرد نیز بر این دیدگاه استوار است که ساختارها و فرآیندهای جوامع انسانی از اشکال ساده سنتی به ساختارهای پیچیده مدرن توسعه پیدا می‌کند. جوامع مدرن یا در حال مدرنیزاسیون، در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و در نهایت در فرآیندهای ساختار سیاسی با یکدیگر تلاقی کرده‌اند.

مارکسیسم و توسعه به عنوان افزایش نیروهای تولید:

برداشت کلاسیک مارکسیستی از توسعه، ترکیبی است از برداشت‌های "توسعه به عنوان رشد اقتصادی"، تغییر ساختاری و پیشرفت به سوی یک وضعیت پایانی که اصطلاحاً به آن کمونیسم گفته می‌شود.

جنبه‌های بارز توسعه نیافتگی عبارتند از:

- ۱- پایین بودن درآمد ملی و سرانه و سطح تولید
- ۲- نرخ بالای بی‌سوادی
- ۳- نرخ بالای تولد همراه با نرخ رو به کاهش مرگ و میر که به یک "انفجار جمعیت" واقعی منجر می‌شود.
- ۴- وابستگی شدید به کشاورزی در حد بخور و نمیر
- ۵- استفاده وسیع از نیروی کار کودکان و اندک بودن امکانات و تسهیلات آموزش
- ۶- نهادهای سیاسی غیر متمرکز
- ۷- بافت طبقاتی بسته و انعطاف ناپذیر با حداقل تغییر در سلسله مراتب اجتماعی
- ۸- ابتدایی بودن وسایل ارتباط و حمل و نقل
- ۹- گسترش آسیب‌های اجتماعی از جمله مواد مخدر

نقش مواد مخدر در عدم توسعه:

با نگاهی اجمالی بر شرایط کنونی جهان و روند طی شده در چند دهه گذشته، در حوزه آسیب‌های اجتماعی و مسایل مربوط به خانواده، ضرورت بازگشت به معنویت و ارزش‌های دینی، بیش از پیش مورد تاکید قرار می‌گیرد. عدم توجه به تمامی بخش‌های توسعه در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها نیز از عوامل مهم بروز یا تداوم آسیب‌های اجتماعی است. اگر انسان محور توسعه (با این فرض که انسان اشرف مخلوقات است) باشد، برنامه توسعه‌ای که منجر به ارتقای انسان در تمامی شئون نشود، باید مورد تأمل بیشتر قرار گیرد، که عدم ارتقاء انسان و منابع انسانی و گسترش جامعه مصرف‌کننده و غیر ماهر، زمینه را برای بروز آسیب اجتماعی فراهم ساخته و جرایمی از جمله اعتیاد، طلاق، خودکشی، رشوه‌خواری، خرید و فروش مواد مخدر، خرید و فروش مشروبات الکلی، فریب و اغفال دختران و ... را بر جامعه تحمیل خواهد کرد. آمارهای به دست آمده از یک جامعه آماری نشان می‌دهد که ۹۶/۸ درصد از پاسخ‌گویان معتقد بودند که مصرف مواد مخدر در جامعه تأثیر منفی داشته و ۳/۲ درصد آنان از تأثیر منفی مواد مخدر اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند.

اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر و تبعات آن می‌تواند یکی از شاخص‌های جوامع توسعه نیافته باشد و زمینه را برای عدم توسعه منابع انسانی و نهایتاً عدم توسعه کشور فراهم سازد. بحران مواد مخدر در جهان کنونی در کنار بحران‌های دیگر مانند قاچاق اسلحه و انسان، بیماری ایدز و ... از مهم‌ترین دغدغه‌های بشریت در قرن بیست و یکم است.

در شرایط کنونی، کشورهای در حال توسعه به دلیل بسیاری از محدودیت‌ها و محرومیت‌ها، در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، در معرض آسیب بیشتر قرار دارند، زیرا از یکسو فقر (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی) حاکم بر این کشورها، اجازه فکر کردن جهت مقابله با این بیماری مزمن را نخواهد داد و از سوی دیگر در عرصه جهانی، قاچاق مواد مخدر، بعد از فروش سلاح، پرسودترین تجارت بین‌المللی محسوب می‌شود.

مجاورت بزرگترین تولیدکننده مواد مخدر جهان، یعنی افغانستان، با جمهوری اسلامی ایران، سبب شده که بخش اعظمی از مواد مخدر تولیدی، جهت مصرف و یا ترانزیت وارد کشور ما شود و آثار زیانبار آن به قدری نگران‌کننده است که به دغدغه

دائمی مسئولان و مقامات جمهوری اسلامی ایران بدل شده و از همین روست که کشورمان برای مقابله با این پدیده شوم که یکی از موانع توسعه منابع انسانی کارآمد است هزینه سنگین مادی و معنوی را متحمل شده است و بعد از این نیز هزینه‌های بسیاری را پرداخت خواهد کرد. مقابله با پدیده پیچیده و در این حال گسترده مواد مخدر، کار ساده‌ای نیست.

جمع‌بندی

با توجه به موارد مطروحه، نتیجه می‌گیریم که مبارزه با مواد مخدر، نیازمند نهضتی ملی با بهره‌گیری از توانمندی‌های تمامی دستگاه‌های اجرایی است. اگر ایران اسلامی بخواهد مسیر توسعه پایدار و همه‌جانبه را هموار سازد، نیازمند منابع انسانی کارآمد، ماهر و متخصص در همه زمینه‌ها است. زیرا با منابع انسانی آلوده به مواد مخدر، غیرماهر و غیرمتخصص نمی‌توان مسیر توسعه را طی کرد و توسعه نیافتگی، وابستگی به جهان سرمایه‌داری، خمودگی ملت و کشور را بدنبال خواهد داشت.

منابع

- آدرین لفت ویک، ترجمه علیرضا فردی، مهدی میر محمدی، موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، معاونت پژوهشی سال ۱۳۸۴.
- نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد بین‌الملل، دومینیک سالواتوره، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶.
- ژئوپلیتیک مواد مخدر، علی غنچی، ۱۳۸۵، ناشر معاونت آموزش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- نگرش ایرانیان به مصرف مواد مخدر، یافته‌های پیمایشی در کشور، ناشر: ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری.

References

- World bank (1989) sub- Saharan Africa: From crisis to sustainable growth (Washington, DC, the world bank).

